دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان وحی
سال دوازدهم/ شماره ۱۹/ بهار و تابستان ۱۴۰۰

Bi-quarterly Journal Specialized Guftman-e Wahy
Eleventh Year12 ،No19,Spring & Summer 2021

پژوهشی در آیات سیاسی قرآن

□ حبیب الله صالحی(روحانی)*

چکیده

سیاست، نقش مهم در اداره جامعه دارد چنانچه برپایه های عقلانی وصحیح بنا شده باشد، در تمام شوئونات زندگی مردم، و نیز در معادلات سیاسی، اجتماعی جامعه تأثیر گذاراست. اصول سیاسی آیات قرآن کریم وکنکاش آن در تفاسیر متعدد، بیان گر این مطلب است که باید برای ادارهٔ صحیح جامعه از قوانین متعالی اسلام در تمامی عرصه ها، به ویژه عرصهٔ سیاست، بهرهٔ کامل برد. نحوه رفتار سیاسی در روابط داخلی و خارجی، نحوه برخورد در سیاست های مالی و اقتصادی، شرط عدالت در رهبری و حکمرانی، تفکیک ناپذیری دین از سیاست، لزوم مشورت در امور حکومتی و سیاسی، لزوم حق مداری و عدالت گستر بودن سیاست های جنگی، فصل الخطاب بودن حرکت رهبر جامعه اسلامی در امور حکومتی، توجه خاص به مجاهدان دارای فعالیت های سیاسی، عزت به عنوان اصلی مهم در سیاست خارجی و روابط سیاسی، اقتصادی، و لزوم آگاهی در مدیریت سیاسی، امنیتی برخی از مبانی سیاسی اسلام است که در این پژوهش مطرح شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، عدالت، سیاست، مشورت.

---

* دانش آموخته سطح چهارحوزه علمیه.

مقدمه

سیاست، روابط سیاسی، اجتماعی و قوانین سیاسی از جمله موضوعاتی هستند که در قرآن و حدیث مورد اشاره ی مستقیم قرار گرفته اند. آیات مربوط به امور سیاسی در قرآن در حوزه‌های مختلف مطرح شده اند؛ حوزه‌هایی از قبیل حکومت، اقتصاد، نظامی‌گری و... نتیجه آن به کارگیری مبانی سیاسی در جایگاه مخصوص خود برای اداره درست و منطقی جامعه می‌باشد؛ چه اهمیت و ضرورت بحث از مبانی سیاست قرآن در اداره صحیح و منطقی جامعه نمود می یابد که در آن اساس قوانین برتر اسلام مبنای روابط داخلی و خارجی است. در واقع، هدف اصلی، تلاش برای به کمال رساندن انسان به بالاترین درجات مادی و معنوی است که دنبالهٔ اهداف انبیاء و اولیای الهی می باشد.

۱. مفهوم شناسی

برای پی بردن به معنای اصلی واژه «سیاست» باید از دو جهت آن را بررسی نمود: واژه «سیاست» در لغت از مادهٔ «سوس»، «ساس» و به معنای انجام کاری است که به مصلحت چیزی، کسی، می‌باشد طریحی، مجمع البحرین، ذیل ماده «سوس» و سیاست مدار به کسی گفته می شود که به اصلاح مردم و کارهای آنان می پردازد (فراهیدی، العین، ذیل مادة «ساس») بنابراین، سیاست به معنای در نظر گرفتن مصالح یک چیز یا شخص یا گروه است که اقدام جدی برای اجرای آن مصالح در حق آنان صورت می گیرد.

سیاست در اصطلاح دانشی است که از مناسبات شهروندی بحث می کند (جواد طباطبایی، زوال اندیشه سیاسی در ایران، ۲۲). یا به روندی گفته می‌شود که در آن شهروندان به اتخاذ یک تصمیم جمعی مبادرت می ورزند (امرائی، شهرزاد، مهندسی سیاست، ۱۸). یا فعالیتی اجتماعی است که با تضمین نظم در نبردهایی که از گوناگونی و ناهم گرایی عقیده ها و منافع ناشی می شود، می خواهد به یاری زور، که اغلب بر حقوق متکی است امنیت بیرونی و تفاهم درونی واحد سیاسی ویژهٔ را تأمین کند(فروند، سیاست چیست؟، ۲۱۳). بنابراین، می توان گفت: سیاست یک دانش اجتماعی دربارهٔ شهر و شهروند است و از عقائد و منافع آنها ناشی می‌شود که

درصدد برقراری امنیت خارجی و تفاهم داخلی می‌باشد.

ترکیب «تفسیر سیاسی قرآن» یک عبارت جدید التأسیس است که تعریف معتبر و قابل استنادی برای آن پیدا نمی شود، اما بنا بر توضیحاتی که در مفهوم شناسی تفسیر و سیاست داده شد، می توان گفت: تفسیر سیاسی قرآن عبارت است از: بیان تحلیلی، اخلاقی، روان و ساده از مراد استعمالی و جدی آیاتی که در بردارندهٔ مسائل اجتماعی، سیاسی، حقوقی و ولایی اند.

مبانی سیاسی قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان یک کتاب وحیانی و جامع، در بردارنده مبانی کلی ای است که به موضوعات گوناگون از جمله سیاست پرداخته است. از آنجا که حکومت در اسلام از مهم ترین بنیان های جامعه به شمار می آید، بیان مسائل و موضوعات سیاسی در اسلام نیز از نیازهای اساسی آن می باشد. به تبع، بحث از مبانی سیاست در قرآن نیز از مباحث مهم و در خور توجه است که می توان آنها را از آیات قرآن استخراج کرد.

در مباحث ذیل مهم ترین آیات سیاسی قرآن را بررسی و اشاره می کنیم:

۱. نحوهٔ رفتار سیاسی در روابط داخلی و خارجی

روابط داخلی و خارجی که به نوعی همان اعمال سیاست های دیپلماتیک در سطح روابط بین الملل است، یکی از شاخصه های حکومتی یک جامعه است. نوع این رفتارهای سیاسی بیان گر انگیزه های آن حکومت در نحوه برخورد با جوامع دیگر است. قرآن کریم بهترین نوع روابط داخلی و خارجی را رفتار عادلانه معرفی می کند:«یاأَیهَا الَّذینَ آمَنُوا کونُوا قَوَّامینَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَلا یجْرِمَنَّکمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلی أَلاَّ تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوی وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبیرٌ بِما تَعْمَلُونَ» (مائده:۸). ای کسانی که ایمان آورده اید، همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید، دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیکتر است و از (معصیت) خدا بپرهیزید که از آن چه انجام میدهید، با خبر است.

رفتار عادلانه بین المللی را در سایه اخلاق عاری از کینه ورزی تفسیر می-کند: «ای مردم

مؤمن، باید عادت شما و خوی شما قیام به حق باشد، به طوری که خود عمل شایسته انجام دهید و دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کنید و اینها را برای تحصیل رضای خدا انجام دهید. حال آنکه گواهانی هستید که عادلانه، به وظیفه شهادت عمل می کنید؛ بغض و کینه شما نسبت به مردمی، شما را به بی عدالتی وادار نکند. یعنی: کسی که نسبت به قومی کینه دارد، شما را به بی عدالتی وادار نکند که در حکم و سیره خود نسبت به ایشان به ستمگری گرایید (طبرسی، مجمع البیان، ۲۶۱/۳). این تفسیر بر این مبناست که وی «شنئآن» را مصدر و به معنای کینه یا صفت و به معنای کینه ورز گزارش می کند (همان).

بنابراین، رفتار کینه ورزانه با حکومت های دیگر موجب می شود که انسان در حق آن حکومت ها و مردم آنها ناعادلانه رفتار کند. این همان اخلاق غیرانسانی ای است که قرآن کریم جامعه اسلامی را از آن برحذر می دارد و به رفتار عادلانه تشویق می کند.

۲. نحوهٔ برخورد در سیاست های مالی و اقتصادی

در یک جامعه دارای حکومت باید تصمیم های اقتصادی و سیاست های پولی و مالی آن به وسیلهٔ رهبر حکومتی آن جامعه اخذ شود که طبیعتاً یک شخص سیاسی نیز می باشد. در قرآن کریم به این سیاست مهم حکومتی اشاره شده است: «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا ما آتاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ راغِبُونَ» (توبه/۵۹). «(در حالی که) اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده، راضی باشند و بگویند: خداوند برای ما کافی است! و به زودی خدا و رسولش، از فضل خود به ما میبخشند ما تنها رضای او را می طلبیم. (برای آن ها بهتر است.

طبرسی در مجمع البیان مورد آیه را صدقاتی می داند که منافقان آن را از پیامبر(ص) طلب کرده و به عیب جویی آن حضرت پرداخته اند (طبرسی، مجمع البیان، ۶۳/۵). بدین سان روشن می شود که نحوه تقسیم غنایم و بیت المال که یکی از ارکان اقتصادی جامعه به شمار می آید، باید به وسیله رهبر امت انجام شود.

۳. شرط عدالت در رهبری و حکمرانی

از نظر قرآن رهبری جامعه اسلامی لوازمی دارد که مهم تـرین آن، اجـرای عـدالت در هنگـام حکم کردن است. قرآن کـریم در ایـن بـاره مـی فرمایـد: «وَإِذا حَکَمْـتُمْ بَـینَ النَّـاسِ أَنْ تَحْکمُـوا بِالْعَدْل» (نساء/۵۸). «... و هنگامی که میان مردم داوری میکنید، به عدالت داوری کنید.

از دیدگاه طبرسی حکم کردن به عدالت در این آیه به زمامداران جامعه نسبت داده شده کـه بـه آنان امر می کند که در میان مردم به عدالت حکم کنند. وی در ادامه مـی گویـد نظیـر آن ایـن آیـه است: «یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْناک خَلیفَةً فِی الْأَرْضِ فَاحْکمْ بَینَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص/۲۶)؛ «ای داود، ما ترا در زمین خلیفه و زمامدار کردهایم. پس در میان مردم به حق حکم کن.

پیامبر گرامی(ص) به امام علی(ع) فرمودند: «میان دو طرف دعوا در نگاه کردن و سخن گفتن مساوات برقرار کن». (طبرسی، مجمع البیان،۳ / ۹۹).

از این تفسیر روشن می شود که رعایت عدالت در نحوهٔ حکمرانی حکمرانان جامعه اسـلامی امری بسیار مهم است که علاوه بر آثار مثبتی که در جامعه و کشور اسـلامی بـه جـا مـی گـذارد، تأثیرات اخروی نیز به همراه دارد.

۴. تفکیک ناپذیری دین از سیاست

تفکیک ناپذیر بودن دین از سیاست از قوانین و مبانی مهم، اصلی و اجتماعی اسلام است کـه قرآن کریم در آیات مختلفی به آن اشاره می کند. برای نمونه، قرآن کریم می فرماید: «أَلَـمْ تَـرَ إِلَـی الْمَلَإِ مِنْ بَنی إِسْرائیلَ مِنْ بَعْدِ مُوسی إِذْ قالُوا لِنَبِـی لَهُـمُ ابْعَـثْ لَنـا مَلِکـاً نُقاتِـلْ فـی سَـبیلِ اللَّـهِ» (بقره/۴۶ و۲۴۷). «آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به پیـامبر خـود گفتند: زمامدار (و فرماندهی) برای ما انتخاب کن! تا(زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم.

طبرسی در اینکه این قوم بنی اسرائیل از چه کسی درخواسـت کردنـد کـه بـرای شـان رهبـر و فرمانده قرار دهد، سه احتمال را گزارش کرده است:

۱. پس از آنکه ستمگران و جباران بر بنی اسرائیل غلبه یافته و قسمت بیشتر شهر و دیار آنـان را گرفتند و فرزندانشان را اسیر و خود آنها را ذلیل نمودند؛ به سبب اینکه آنـان عهـد و پیمـان خـدا را

فراموش کرده بودند و گناهان در میان آنها زیاد شده بود و پیامبری نداشتند، لذا خداوند اشموئیل پیامبر را برای آنان فرستاد. آنان به او گفتند: اگر راست میگویی برای ما پادشاهی برانگیز تا در راه خدا بجنگیم و این نشانه نبوت و پیامبری تو است.

۲. آنان می خواستند با «عمالقه» جنگ کنند. پس درخواست پادشاهی کردند که امیر آنان شود و در سایه قدرت او کلیه آنان متحد و حالشان منظم گردد و در جنگ با دشمن پیروز شوند.

۳. خداوند اشموئیل پیامبر را برای آنان فرستاد و چهل سال به بهترین صورت گذراندند تا مسئله جالوت و عمالقه پیش آمد و اینان به اشموئیل گفتند که برای ما پادشاهی برگزین.

طبرسی در ادامه، سخنی از امام صادق(ع) را در بیان معنای ملک چنین نقل می کند که ابو عبد اللَّه(ع) می گوید: «ملک در آن زمان به کسی می گفتند که لشگر را میبرد (به اصطلاح امیر لشکر) و پیامبر، کارش را برپا میداشت و از طرف خدا و به وسیله وحی او را (از جریان و عواقب کارها) آگاه میساخت (طبرسی، مجمع البیان، ۲ / ۶۱۰).

از این بیان تفسیری استفاده می شود که انتخاب رهبر برای جامعهٔ قوم بنی اسرائیل که یک امر سیاسی است، به وسیلهٔ یک پیامبر که یک انسان آسمانی است، صورت گرفته است؛ یعنی حضور دین در عرصه سیاست و حکومت که باعث قوام آن حکومت نیز خواهد شد، امری اجتناب ناپذیر است. نیز می توان نتیجه گرفت که پیامبران الهی شخصاً در امور نظامی و حکومتی مانند عزل و نصب فرماندهان جنگی دخالت می کردند که این خود بیان گر عدم جدایی دین از سیاست است.

آیه دیگر دالّ بر عدم جدایی دین از سیاست آیه مربوط به حکومت جهانی مؤمنان است:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کمَا اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیمَکنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَلَیبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یعْبُدُونَنی لایشْرِکونَ بی شَیئاً وَمَنْ کفَرَ بَعْدَ ذلِک فَأُولئِک هُمُ الْفاسِقُونَ» (نور/۵۵.)

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادهاند وعده میدهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشهدار خواهد ساخت و ترسشان را به

امنیت و آرامش مبدّل میکند، آن چنان که تنها مرا مـی پرسـتند و چیـزی را شـریک مـن نخواهنـد ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن ها فاسقانند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می گوید: «این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنـان که عمل صالح هم دارند. به آنان وعده مـی دهـد کـه بـه زودی جامعـه صـالحی مخصـوص بـه خودشان برای شان درست می کند و زمین را در اختیارشـان مـی گـذارد و دیـن شـان را در زمـین متمکن می سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند، می کند؛ امنیتی که دیگر از منافقان و کید آنان و از کفار و جلوگیری هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانـه عبـادت کننـد و چیـزی را شریک او قرار ندهند» (علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۵۱/۱۵).

در واقع، این وعدهٔ حکومت جهانی که از طرف خداوند صادر شده اسـت، بهتـرین دلیـل بـر حضور پررنگ دین در عرصه های مختلف حکومتی و سیاسی است و می توان نتیجه گرفـت کـه هدف از تشکیلات حکومتی، حفظ کیان دین و اجرای قوانین متعالی دینی است. این هـدف از دو عبارت «لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ» و «یعْبُدُونَنی لایشْرِکونَ بـی شَـیئاً» بـه روشـنی قابـل اسـتنباط است.

آیهٔ دیگری که دلالت روشن و واضحی بر عدم جدایی دین از سیاست دارد؛ می فرماید:

«اصْبِرْ عَلی ما یقُولُونَ وَاذْکرْ عَبْـدَنا داوُدَ ذَا الْأَیـدِ إِنَّـهُ أَوَّابٌ... وَشَـدَدْنا مُلْکـهُ وَآتَینـاهُ الْحِکمَـةَ وَفَصْلَ الْخِطابِ» (ص/۱۷ و۲۰.)

«در برابر آن چه میگویند شکیبا باش، و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قـدرت را، کـه او بسیار توبهکننده بود... و حکومت او را اسـتحکام بخشـیدیم، (هـم) دانـش بـه او دادیـم و(هـم) داوری عادلانه.

در مجمع البیان بیان شده است که مراد از«مُلک» حکومت و حکمرانی است کـه از خداونـد متعال به حضرت داود تنفیذ شد.

«وَشَدَدْنا مُلْکهُ» یعنی ملک او را با نگهبانی و لشکریان و شکوه و زیـادی نیـرو و افـراد فـراوان قوی گردانیدیم. «وَآتَیناهُ الْحِکمَةَ» حکمت را که نبوت یا مصاب بودن در امور یـا علـم بـه خـدا و احکام و شرایع خداوند است، به او دادیم. (طبرسی، مجمع البیان، ۸ /۷۳۲).

بنابراین، حکومت و فرمانروایی با شکوهی کـه حضـرت داود بـر عهـده داشـت، مسـتقیماً از طرف خداوند متعال به او عنایت شده بود و این چیزی نیست جز همان تلفیق دین با سیاسـت کـه به روشنی می توان این برداشت را از ظاهر این آیه به دست آورد.

۵. لزوم مشورت در امور حکومتی و سیاسی

از اساسی ترین رمز های موفقیت یک حاکم هوشیار، مشورت کردن با افراد خبره و کارآمد در اداره تمامی شئون کشوری است. قرآن کریم نیز به این امر مهم اشاره نموده است:

«قالَتْ یا أَیهَا الْمَلَأُ أَفْتُونی فی أَمْری ما کنْتُ قاطِعَةً أَمْراً حَتَّی تَشْهَدُونِ» (نمل/۳۲.)

«(سپس) گفت: ای اشراف (و ای بزرگان)! نظر خود را در این امر مهم به من بـازگو کنیـد کـه من هیچ کار مهمّی را بدون حضور (و مشورت) شما انجام ندادهام.

تفسیر دقیق و لطیفی از تفسیر نمونه پیرامون این آیه ذکر شده است که بـه بخشـی از آن اشـاره می کنیم: «او(ملکه قوم سبا) میخواست با این نظر خواهی موقعیت خـود را در میـان آنهـا تثبیـت کرده و نظر آنها را به سوی خویش جلب نماید، ضمناً میزان هماهنگیشـان را بـا تصـمیمات خـود مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

«افتونی» که از ماده «فتوا» است، در اصل به معنای حکم کـردن دقیـق و صـحیح در مسـائل پیچیده است. ملکه سبا با این تعبیر، هم پیچیدگی مسئله را به آنها گوشزد کرد و هم آنها را بـه ایـن نکته توجه داد که باید در اظهار نظر دقت به خرج دهند تا راه خطا نپویند.

«تشهدون» از ماده «شهود» به معنای حضور است؛ حضوری که توأم با همکاری و مشـورت بوده باشد» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۵/ ۴۵۴).

بنابراین، مشورت یک رهبر و حاکم با افراد ماهر موجب هوشیاری و دقت در امور حکـومتی و نیز باعث برطرف شدن خطاها می شود.

۶. فصل الخطاب بودن حرف رهبر جامعهٔ اسلامی در امور حکومتی

در قوانین حکومت اسلامی باید تمامی اختلاف ها، مشورت ها و نظرها به یک مرجـع الهـی

برگردد تا به هرج و مرج نینجامد و آن مرجع واحد همان رهبری است که به حکم شرع و با قوانین و موازین شرعی، حکومت جامعهٔ اسلامی را بر عهده می گیرد؛ برای نمونه، قرآن کریم می فرماید: «قالُوا نَحْنُ أُولُوا قُوَّةٍ وَ أُولُوا بَأْسٍ شَدیدٍ وَالْأَمْرُ إِلَیک فَانْظُری ما ذا تَأْمُرینَ» (نمل/۳۳). «گفتند: ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان هستیم، ولی تصمیم نهایی با توست. ببین چه دستور میدهی.

طبرسی در مجمع البیان درباره «فَانْظُری ما ذا تَأْمُرینَ» می نویسد: «ببین چه دستور می دهی تا ما عمل کنیم. اگر نظر تو صلح باشد، صلح میکنیم و اگر نظرت جنگ باشد می جنگیم» (طبرسی، مجمع البیان، ۷ / ۳۴۴).

آیت الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر نمونه می نویسد: «به این ترتیب هم تسلیم خود را در برابر دستورات او نشان دادند و هم تمایل خود را به تکیه بر قدرت و حضور در میدان جنگ» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۵/ ۴۵۴). با توجه به این دو بیان، این نکته استنباط می شود که باید در برابر رهبری که بر اساس موازین شرعی به حکومت رسیده است، کاملاً مطیع بود و در تمامی زمینه ها تسلیم محض اوامر حکومتی و غیرحکومتی او شد.

۷. لزوم حق مداری و عدالت گستر بودن سیاست های جنگی

یکی از مهم ترین و بارزترین جلوه های سیاسی در اسلام، مقولهٔ جنگ و جهاد است. جهاد به عنوان یکی از عوامل نجات بخش جامعهٔ اسلامی در مقابل توطئه های شوم دشمنان می تواند مهم ترین معادلات سیاسی یک جامعه را رقم بزند. قرآن کریم با اشاره به مقولهٔ جهاد، هدف از آن را اعتلای کلمهٔ حق و تحصیل رضای خداوند متعال معرفی می کند:

«فَلْیقاتِلْ فی سَبیلِ اللَّهِ الَّذینَ یشْرُونَ الْحَیاةَ الدُّنْیا بِالآخِرَةِ وَمَنْ یقاتِلْ فی‌سَبیلِ اللَّهِ فَیقْتَلْ أَوْ یغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتیهِ أَجْراً عَظیماً وَما لَکمْ لاتُقاتِلُونَ فی‌سَبیلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفینَ مِنَ الرِّجالِ وَالنِّساءِ وَالْوِلْدانِ الَّذینَ یقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیةِ الظَّالِمِ أَهْلُها وَاجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْک وَلِیا وَاجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْک نَصیراً الَّذینَ آمَنُوا یقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَالَّذینَ کفَرُوا یقاتِلُونَ فی سَبیلِ الطَّاغُوتِ فَقاتِلُوا أَوْلِیاءَ الشَّیطانِ إِنَّ کیدَ الشَّیطانِ کانَ ضَعیفاً.»

(نساء/۷۴ـ۷۶). «کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته اند، باید در راه خدا پیکار کنند و آن کس که در راه خدا پیکار کند، و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد. چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شدهاند، پیکار نمی کنید؟ همان افراد (ستمدیدهای) که میگویند: پروردگارا! ما را از این شهر(مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود، یار و یاوری برای ما تعیین فرما! کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار میکنند و آن ها که کافرند، در راه طاغوت (بت و افراد طغیان گر). پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید (و از آن ها نهراسید) زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتش) ضعیف است. در تفسیر خسروی در توضیح و تفسیر این آیات به ابعاد سیاسی آن اشاره شده است:

قتال و جنگی که قرآن سیاست آن را مقرر داشته است، قتال و کشتار استعباد و استثمار و ظلم و تعدی و کشور ستانی و توسعه در ملکیت و سلطنت و برده ساختن سایر ملل و امم چنان که امروز می بینیم، نیست و نبوده است و فقط قتال در راه خدا و اعلای کلمه حق و عدل و گسترش عدالت و مساوات و استنقاذ ملل از تجاوز افراد خود است... لذا قرآن کریم غایت مراد و هدف اسلام را از قتال محدود می سازد و می فرماید: کسانی که ایمان آورده اند، در راه طاعت خدا و یاری دین خدا و اعلای کلمه حق و تحصیل رضای او جهاد و قتال می کنند و کسانی که به حال کفر ماندهاند و بر حقیقت پرده پوشی می کنند در راه طاغوت (یعنی در راه ظلم و جبروت و طغیان و تعدّی بر حقوق ملل و امم و افراد ضعیف) می جنگند. پس شما مسلمانان با دوستان شیطان بجنگید و نیرو و عدد و تجهیزات آنها شما را نفریبد و مغرور نسازد؛ زیرا ولی و مولای شما رحمان است و او یار و یاور شماست و مولای آنها شیطان است و کید شیطان درباره مؤمنان در جنب کید خدا نسبت به کافران بسی ضعیف است»(میرزا خسروانی، تفسیر خسروی، ۲/ ۲۴۲).

بنابراین، سیاست اسلام و قرآن در قبال جنگ و جهاد یک سیاست معنوی و مادی است. معنوی است بدین سبب که هدف از آن اعتلای کلمه حق و اجرای عدالت و حاکم نمودن دستورات تعالی بخش اسلام برای رساندن انسان ها به کمال حقیقی آنان است و در نهایت به دست آوردن رضای خداوند متعال است و مادی است بدین سبب که هدف از آن نجات جوامع

از ظلم و ستم افراد خودخواهی است که قصد تعدی به حقوق ملت ها و افـراد ضـعیف را دارنـد. لذا اسلام و قرآن با هر گونه استعمار، استثمار، کشور ستانی و به بردگی کشاندن ملت ها مخـالف است.

۸. توجه خاص به مجاهدان دارای فعالیت های سیاسی

در معارف قرآنی، اسلامی توجه خاصی به کسانی شده است کـه در مبـارزات سیاسـی خـود ضد دشمنان، سختی های زیادی از قبیل زندان، تبعید، فقـر و... را بـرای رضـای خداونـد متعـال متحمل شده اند. برای نمونه، خداوند می فرماید:

«لِلْفُقَراءِ الَّذينَ أُحْصِرُوا فی سَبيلِ اللَّهِ لايسْتَطيعُونَ ضَرْباً فِی الْأَرْضِ يحْسَبُهُمُ الْجاهِـلُ أَغْنِيـاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسيماهُمْ لايسْئَلُونَ النَّاسَ إِلْحافـاً وَمـا تُنْفِقُـوا مِـنْ خَيـرٍ فَـإِنَّ اللَّـهَ بِـهِ عَلـيمٌ» (بقره/۲۷۳.)

«(انفاقِ شما، مخصوصاً باید) برای نیازمندانی باشد که در راه خدا در تنگنا قـرار گرفتهانـد (و توجّه به آیین خدا، آنها را از وطن های خویش آواره ساخته و شرکت در میدانِ جهاد به آنهـا اجـازه نمیدهد تا برای تأمین هزینه زندگی دست به کسب و تجارتی بزنند) نمی توانند مسـافرتی کننـد (و سرمایهای به دست آورند) و از شدّت خویشتنداری، افراد ناآگاه آنها را بینیاز می پندارند، امّـا آنهـا را از چهرههایشان میشناسی و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی خواهند. (این است مشخّصـات آنها) و هر چیز خوبی در راه خدا انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است

طبرسی علت فقر را در اینجا به عدم توانایی افراد برای تأمین معـاش خـود تفسـیر نمـی کنـد، بلکه علت فقر را اطاعت کامل از دستورات الهی می داند که در راه انجام این دستورات از جـان و مال خود مایه گذاشته و سختی هایی را متحمل شده اند و سرانجام به فقر مالی دچار شده انـد وی می گوید:

انفاق هایی که گفته شد، برای فقرایی است که در راه خدا از اشتغال به تجارت و کسب معاش در اثر خوف از دشمن یا مرض یا فقر یا توجه به عبادت بازمانده و ممنوع شدهاند. از (فِـی سَـبِیلِ اللَّهِ) استفاده می شود که سبب ممنوعیت آنها اشتغال به عبادت و اطاعت بوده است. لذا آنـان در

اثر یکی از عذرهایی که گفته شد، قدرت ندارند که در زمین رفت و آمد و تصرفات و فعالیت های تجاری بنمایند.

بعضی گفتهاند: چون آنان خود را ملزم کردهاند که در راه خدا جهاد نمایند، از کسب و کار باز ماندهاند. لذا منظور این نیست که آنها توانایی بر کار ندارند، بلکه مراد این است که آنان چون خود را ملزم به جهاد نمودهاند دیگر نمی توانند به غیر آن اقدام کنند (طبرسی، مجمع البیان، ۲ / ۶۶۶).

بنابراین، یکی از دستورات سیاسی اسلام اختصاص قسمتی از بیت المال برای کسانی است که در راه دفاع از دین (دفاع جهادی، اقتصادی، عبادی و...) از جان و مال خود مایه می گذارند و همیشه پا در رکاب اسلام هستند.

۹. عزت، اصلی مهم در سیاست خارجی و روابط سیاسی ـ اقتصادی

در معارف اسلامی و قوانین متعالی اسلام، اصل کلیدی در روابط سیاسی با دشمنان حفظ ماندن عزت مسلمانان است. خداوند می فرماید: «لا یتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْکافِرِینَ أَوْلِیاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِینَ وَمَنْ یفْعَلْ ذلِک فَلَیسَ مِنَ اللَّهِ فی شَیءٍ إِلاَّ أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقاةً وَیحَذِّرُکمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وإِلَی اللَّهِ الْمَصیرُ» (آل عمران/۲۸). «افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطهای با خدا ندارد (و پیوند او به کلّی از خدا گسسته میشود) مگر این که از آن ها بپرهیزید (و به خاطر هدف های مهم تری تقیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر میدارد و بازگشت (شما) به سوی خداست.

رابطهٔ کور کورانه و بی اساس جامعه اسلامی با دشمنان موجب وارد شدن زیان و ضرر به مسلمانان است. در تفسیر نمونه در این باره آمده است: «این آیه در زمانی نازل شد که روابطی در میان مسلمانان و مشرکان با یهود و نصاری وجود داشت و چون ادامه این ارتباط، برای مسلمانان زیانبار بود، مسلمانان از این کار نهی شدند. این آیه در واقع، یک درس مهم سیاسی اجتماعی به مسلمانان میدهد که بیگانگان را هرگز به عنوان دوست و حامی و یار و یاور نپذیرند و فریب سخنان جذاب و اظهار محبت های به ظاهر صمیمانه آنها را نخورند؛ زیرا ضربههای سنگینی که

در طول تاریخ بر افراد با ایمان و با هدف واقع شده، در بسیاری از موارد از این رهگذر بوده است. تاریخچه استعمار میگوید: همیشه ظالمان استثمارگر در لباس دوستی و دلسوزی و عمران و آبادی ظاهر شدهاند. فراموش نباید کرد آنها به نام عمران و آبادی وارد می شدند و هنگامی که جای پای خود را محکم می‌کردند، بیرحمانه بر آن جامعه میتاختند و همه چیز آنها را به یغما میبردند» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۴۹۸/۲)

خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «لاخَیرَ فی کثیرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إلاَّ مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلاحٍ بَینَ النَّاسِ وَمَنْ یفْعَلْ ذلِک ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتیهِ أَجْراً عَظیماً» (نساء/۱۴۴). ای کسانی که ایمان آوردهاید! غیر از مؤمنان، کافران را ولّی و تکیهگاه خود قرار ندهید! آیا میخواهید (با این عمل) دلیل آشکاری علیه خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟

علامه طباطبایی (ص) اساس رابطهٔ نادرست با دشمنان را موجب نفاق دانسته و گفته است: «این آیه شریفه ـ به طوری که ملاحظه می کنید، مؤمنان را از اینکه به ولایت کفار و سرپرستی آنها بپیوندند و ولایت مؤمنان را ترک کنند، نهی می کند و سپس آیه دوم (نساء/۱۴۵) مسئله را به تهدید شدیدی تعلیل می کند که از ناحیه خدای تعالی متوجه منافقان شده است. این بیان و تعلیل معنایی جز این نمی تواند داشته باشد که خدای تعالی ترک ولایت مؤمنان و قبول ولایت کفار را نفاق دانسته، و مؤمنان را از وقوع در آن بر حذر می دارد» (علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۵ / ۱۱۸).

از این دو آیه این نکته استنباط می شود که اصل اولی بر ترک رابطهٔ تأثیرپذیر از دشمنان است و اگر مسائلی مانند سیاست، اقتصاد و... باعث شوند که بخواهیم با دشمنان رابطه ای برقرار کنیم، اصل بر احتیاط است و باید با اقتدار و عزت همراه باشد.

۱۰. لزوم آگاهی در مدیریت سیاسی، امنیتی

مدیریت مسائل سیاسی، حکومتی جامعه به طوری که فقط گروه خاصی از آن اطلاع داشته باشند و باعث تشویش خاطر افراد جامعه نشود، یکی از مهم ترین برنامه های سیاسی اسلام است که در قرآن نیز به آن اشاره شده است: «وَإِذا جاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذاعُوا بِهِ وَلَوْ

رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذينَ يسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيكمْ وَرَحْمَتُهُ لاَتَّبَعْتُمُ الشَّيطانَ إِلاَّ قَليلاً» (نساء/۸۳). «و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق) آن را شایع میسازند، در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان(که قدرت تشخیص کافی دارند) بازگردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد. و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عدّه کمی، همگی از شیطان پیروی می کردید(و گمراه می-شدید.

مفسر تفسیر نمونه می نویسد: «در این آیه به یکی دیگر از اعمال نادرست منافقان و یا افراد ضعیف الایمان اشاره کرده میفرماید: آنها کسانی هستند که هنگامی که اخباری مربوط به پیروزی و یا شکست مسلمانان به آنان برسد، بدون تحقیق، آن را همه جا پخش می کنند. بسیار میشود که این اخبار، بی اساس بوده و از طرف دشمنان به منظورهای خاصی جعل شده و اشاعه آن به زیان مسلمانان تمام می گردد.

در حالی که وظیفه دارند این گونه اخبار را قبل از هر کس با رهبران و پیشوایان شان در میان بگذارند و از اطلاعات وسیع و فکر عمیق آنها استفاده کنند و بدون جهت نه مسلمانان را گرفتار عواقب غرور ناشی از پیروزی هایی خیالی کنند و نه روحیه آنها را به خاطر شایعات دروغین مربوط به شکست تضعیف نمایند.

«یستنبطونه» در اصل از ماده «نبط» (بر وزن فقط) است و به معنای نخستین آبی است که از چاه می کشند و از ریشه های زمین استخراج می گردد. و به همین جهت، استفاده کردن هر حقیقتی از دلائل و شواهد مختلف و استخراج کردن آن از مدارک موجود، «استنباط» نامیده می شود، خواه در مسائل فقهی باشد یا در مسائل فلسفی و سیاسی و علمی.

منظور از «أُولِي الْأَمْرِ» (صاحبان فرمان) در اینجا کسانی هستند که قدرت تشخیص و احاطه کافی به مسائل مختلف دارند و می توانند حقایق را از شایعات بی اساس و مطالب راستین را از نادرست برای مردم روشن سازند که در درجه اول پیغمبر(ص) و ائمه اهل بیت(ع)، جانشینان او، و در درجه بعد دانشمندانی هستند که در این گونه مسائل صاحب نظرند» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۴ / ۳۰).

در واقع، هدف از نزول این آیه اطاعت محض از رهبر سیاسی جامعه در امور سیاسی، امنیتی

است و اینکه نباید به طور خودسرانه و جاهلانه اخباری که مربوط به امور حکومتی جامعه است، بدون اجازۀ رهبر سیاسی، الهی جامعه انتشار داد؛ چه بسا برخی از این اخبار موجب ترس و وحشت بیهوده در جامعه شود یا برخی از این اخبار موجب فاش شدن مسائل امنیتی جامعه و سوء استفادۀ دشمنان از آن گردد.

نتیجه:

آیات سیاسی قرآن کریم را می توان در حوزه های مختلفی سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، استخراج کرد که هر کدام از این مبانی، یک اصل راهبردی در اداره جامعه به شمار می‌رود. مهم ترین مبنای سیاسی قرآن کریم اصل جدا نبودن دین از سیاست است که می توان مصادیق زیادی برای آن در آیات قرآن کریم پیدا کرد. عدالت اجتماعی روح حاکم بر همه این مبانی است. نحوه رفتار سیاسی در روابط داخلی و خارجی، عدالت در رهبری و حکمرانی، حق مداری و عدالت گستر بودن سیاست های جنگی، توجه خاص به مجاهدان دارای فعالیت های سیاسی مواردی است که عدالت اجتماعی بر آنها حاکم است.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، **تفسیر فرات الکوفی**، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن**، تحقیق دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.

امرایی، حسن و شهاب شهرزاد، **مهندسی سیاست**، شوکا، ۱۳۸۸ش.

بحرانی، سید هاشم، **البرهان فی تفسیر القرآن، تهران**، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.

بلاغی نجفی، محمد جواد، **آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن**، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ق.

رضایی اصفهانی، محمد علی، **منطق تفسیر قرآن**، قم، انتشارات جامعة المصطفی العالمیة، چاپ سوم، ۱۳۸۷ش.

طباطبایی، جواد، **زوال اندیشة سیاسی در ایران**، نشر کویر، ۱۳۸۷ش.

طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمهٔ سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.

طبرسی، فضل بن حسن، **تفسیر جوامع الجامع**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ش.

طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیرالقرآن**، تهران، انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.

طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.

طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق احمد قصیرعاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

عاملی، علی بن حسین، **الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز**، تحقیق شیخ مالک محمودی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، **تفسیر نورالثقلین**، سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.

فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

فروند، ژولین، **سیاست چیست؟**، ترجمه عبدالوهاب احمدی، نشر آگه، ۱۳۸۴ش.

فیض کاشانی، ملامحسن، **تفسیر الصافی**، تحقیق حسین اعلمی، تهران، الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.

قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.

گنابادی، سلطان محمد، **تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة**، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.

مکارم شیرازی، ناصر، **الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل**، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع)، ۱۴۲۱ق.

مکارم، شیرازی، **تفسیر نمونه**، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش.

میرزا خسروانی، علیرضا، **تفسیر خسروی**، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۰ق.